

گرامیداشت قیام بیست و چهارم حوت هرات

مجو حکایت شیرین، کلام ما تلخ است به شهد هم که به پیچی، پیام ما تلخ است
چنان به زهر در آمیخته زبان که سخا به رغم قاعده حتا سلام ما تلخ است

(سید ضیاء الحق سخا)

چهاردهم مارچ ۲۰۱۶ میلادی مصادف است با بیست و چهارم حوت، چهلمین سالگرد قیام سلحشورانه مردم هرات در سال ۱۳۵۷ علیه حکومت کمونیستی حزب دموکراتیک خلق، و گرامی داشت از بیش از بیست هزار شهید گمنامی که به معنی واقعی کلمه «گمنام» قربانی گشته اند.

کودتای کمونیستی هفتم ثور ۱۳۵۷ مطابق بیست و هفتم اپریل ۱۹۷۸ سر آغاز بد بختی ها، خونریزی ها، روی کار شدن نظام دیکتاتوری مبتنی بر آیدیالوژی کفر و الحاد، جنگ های داخلی و برادر کشی، تجاوز قوای اتحاد شوروی وقت به افغانستان و حمله بر همه شئون زندگی مردم متدین، وطن دوست، آزادی خواه و پایبند عنعنات و رسوم مختص به این محدوده جغرافیایی بود که دامنه این خونریزی ها تا هم اکنون ادامه دارد.

عدم رعایت اعتقادات، ارزشهای خانوادگی، فرهنگی و اهانت به این ارزشها، سبب شد تا مردم هرات باستان و سایر نقاط افغانستان در مقابل سیاست ها و مظالم حکومت تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق، با حمایت اتحاد شوروی سابق، دست به اعتراض و قیام همگانی بزنند.

قیام بیست و چهارم حوت ۱۳۵۷ هجری شمسی در هرات از روستا های اطراف شهر آغاز و به شهر رسید. این یک قیام خود جوش به معنی واقعی آن بود و از قریه سلیمی در ولسوالی پشتون زرغون در جنوب، ولسوالی های غوریان و زنده جان در غرب، کرخ در شرق و رباط سنگی در شمال آغاز شد و این روستا زادگان پاک طینت و آزاده برای دفاع از نوامیس ملی، ارزشهای فرهنگی و اعتقادات شان به شهر سرازیر شدند تا اعتراض شان را در برابر سیاست های غلط و مغایر تمام ارزشهای حاکم بر جامعه سنتی ابراز دارند. این قیام نه رهبری داشت و نه پیشوایی، نه امیری و نه قوماندانی و نه در پی دستاویز و اجازه ای بود برای این قیام، نه تنظیمی در آن دست داشت و نه رهبری و نه گروهی از افراد. فقط به معنی واقعی کلمه خود جوش بود. در مدت شش روز، بین بیست تا بیست و پنج هزار فدائی سر سپرده راه حق و عدالت صادقانه و با خلوص نیت و ایمان داری، برای حفاظت و حراست از مقدسات و فرهنگ و عنعنات و ارزشهای والای عقیدتی و ملی شان، و برای انجام وجیبه دینی و ملی شان جام شهادت نوشیدند. احمد رشید نویسنده کتاب «سقوط در هرج و مرج» می نویسد که دو ماه بعد از قیام هرات از آن ولایت دیدن نمود و پس از دو ماه هنوز هم بوی تعفن خون گندیده در شهر، انسان را اذیت میکرد. این اظهارات او گفتار همه چشم دید ها و خاطرات تلخ و فراموش نا شدنی شاهدان عینی را به اثبات میرساند که واقعاً جوی های خون در شهر روان بود و عمال حکومت کمونیستی و مشاورین روسی آنها از هیچگونه وسیله و خشونت برای قتل عام ابا نورزیدند و آنانی را که اندکی مخالفت هم با رژیم خونخوار داشتند، نا بود کردند.

یارب به کسانی که جگر سوخته اند یک عمر متاع درد اندوخته اند
خاکم به هوای آن جوانمردان کن کز هر چه به جز تو، دیده بر دوخته اند

(استاد خلیلی)

به یاد بود از همین شهدای جان باخته که تعداد آنها بین بیست تا بیست و پنج هزار نفر درین مدت شش روز ثبت شده همه ساله در داخل افغانستان و افغانهای که در خارج از کشور زندگی میکنند محافلی با ختم قرآنکریم و اتحاف دعا به روح این شهدا و سایر شهدای که تا همین اکنون در افغانستان قربانی وحشت گران و دهشت افکنان و دشمنان خاک و وطن و مردم شریف و آزادی دوست افغانستان می شوند، بر گذار می گردد. قیام بیست و چهارم حوت در هرات، قیام های کنر، دره صوف، کابل، قندهار، مزار شریف، مناطق جنوبی، شمالی و مرکزی و همه زوایای افغانستان یک پارچگی ملت با شهامت افغان و همدردی و همنوایی همه اقشار جامعه را نشان میداد که تا آن زمان دست چپاولگران و اختطاف گران جهاد و فرصت طلبان آزمند جاه و مال و منال از احساسات پاک و بی آرایش ملت سوء استفاده نکرده بودند. ملت افغانستان تا همین اکنون قربانی این دست اندازی ها و دسیسه سازی ها و آزمندی های سودجویان و شئون طلبان داخلی و خارجی است و با انواع دسیسه ها و به هم انداختن تفتین ها سعی می کنند از همنوایی، وحدت، همبستگی ملت با شهامت که از قرنهای به اینطرف برادر وار با هم زیسته اند، با هر وسیله و

نیرنگی تلاش مذبحخانه دارند جلو گیری نمایند چون میدانند که اتحاد و همبستگی این ملت بزرگترین و نیرومند ترین حربه و ابزار در برابر همه پلان ها و دسایس دشمنان داخلی و خارجی افغانستان است.

هزاره کیست؟ پشتون کیست؟ تاجیک کیست؟ ازبک کیست؟ اساس فرقه سازی های استعمار را بشکن

(استاد خلیلی)

بر جوانب مختلف قیام ۲۴ حوت ۱۳۵۷ هرات، و سایر مناطق افغانستان و پی آمد های آن توسط دانشمندان و محققین بار ها روشنی انداخته شده . همه بیاد دارند که با پیروزی ملت افغانستان بر قوای تجاوز گر اتحاد شوروی سابقه و حکومت دست نشانده آن، تیکه داران آزمند و قدرت طلبان بر سر این ملت مظلوم بعد از قربانی یک و نیم میلیون چه آوردند و چه خاطرات تلخ و ناگوار و چه ویرانی های خاصاً بر شهر زیبای کابل که خط مقدم جنگ های قدرت طلبی و تنظیمی بین گروه های بود که بیش از ده سال داد از حاکمیت قانون و حق و عدالت و تامین رفاه و آسایش مردم تحت رهبری حکومت اسلامی! میزدند که آنها تاسیس نمایند، هنوز هم قلب های درد مند مردم را می آزارد. ولی همه شاهد چنان حکومت داری و چنان «رفاه و آسایش» بودند که در نتیجه گروه ویرانگر دیگری بنام «طالب» برای سرکوبی و نابودی آنها تشکل داده شد تا این ملت بیچاره را از زیر ستم و بیداد گری خود کامگان جاه طلب و جنگجو نجات دهند ولی آن گروه هم به نحو و منال دیگری این ملت را در زندان بزرگتری ولی با همه قیودات یک زندان و حتی شدید تر از آن به فرمان بداران خارجی اش قرار داد. بحث و ارزیابی همه مظالم دو حکومت مجاهدین و طالبان تکرار درد آور حوادثی خواهد بود برای تازه ساختن و یاد آوری از رنج ها و مصیبت ها و درد از دست دادن عزیزان برای خانواده های به ماتم نشسته.

ولی در خور یاد آوری است از بیش از یک میلیون شهید گمنامی تجلیل و بزرگداشت به عمل آید و بر روح پاک و ملکوتی آنها اتحاف نمود که نام اکثریت آنها در هیچ جایی، هیچ نوشته ای، هیچ اثری و هیچ سندی برده نشده و به معنی واقعی و حقیقی کلمه «گمنام» در راه حراست و دفاع از ایمان و عقیده و دفاع از اعتقادات پاک و بی آلایش و ارزشهای فرهنگی شان جام شهادت نوشیده اند. جز سینه پُر درد عزیزان شان، نزدیکان و خانوار های به غم نشسته که سیمای ملکوتی و اسمای مبارک این شهدا دران حک شده نامی و نشانی از آنها دیده نمی شود.

در جهان هم رسم بر اینست که همواره زمانی که از سربازان سابقه و کشته شدگان جنگ های آزادی خواهی و یا هر جنگی دیگر وطن خواهانه و دفاع از نوامیس ملی و تمامیت ارضی یاد بود به عمل می آید، بر آبدۀ بنام " سپاهی گمنام" گل گذاری می شود، نه بر مقبره یک قوماندان جبهه، وزیر جنگ و یا رئیس جمهور و یا سلطان و امیر همان زمان.

به همه قوماندانها و رهبران جبهات جهاد مقدس افغانستان که صادقانه و بدون چشم داشت به چوکی و مقام و مال و منال راه قربانی دادن درین راه را انتخاب کردند، سر تعظیم فرود می آوریم، ولی آنانی که بعد از ختم جهاد آزادی طلبانه مردم افغانستان هنوز هم برای بدست آوردن قدرت و مقام و یا حفظ آن، سلاح بر داشتند و تا همین اکنون هم از این ملت ستم دیده و زجر کشیده قربانی میگیرند و کشتار را وسیله حاکمیت و تحمیل نمودن شان بر کرده ملت می دانند، نفرین می فرستیم. آنها نزد پروردگار شان جواب گوی خواهند بود و در قضاوت تاریخ خواهند گرفت .

تا چند پی خدعه و تدبیر شوی
آدم چو شوی ز هر دو دلگیر شوی

تا کی پی سنان و شمشیر شوی
آن پیشه شیر باشد این از رویاه

(استاد خلیلی)